

تحلیلی بر شیطان‌پرستی و راهکارهای تربیتی مقابله با آن، با الهام از آیات قرآنی

چکیده

هدف این مطالعه، تحلیلی بر شیطان‌پرستی و راهکارهای تربیتی مقابله با آن با الهام از آیات قرآنی بود. شیطان‌پرستی یک باور ایدئولوژیک یا فلسفی است که شیطان را موجودی زنده، با چند وجه مشترک با انسان، با الگوی اصلی پیش از عالم هستی می‌پندارد و تلاش می‌کند تا انسان‌ها را از دایره‌ی تربیت و ولایت الهی خارج کند. روش تحقیق، توصیفی- تحلیلی و از نظر شیوه گردآوری اطلاعات، از نوع اسنادی و کتابخانه‌ای است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل محتوای استقرایی و تحلیل متون استفاده شده است. نتایج مطالعه نشان داد که شیطان‌پرستی با شیوه‌های گوناگون، در قالب سه موضوع ۱. تأثیر بر ایدئولوژی، ۲. تأثیر بر رفتار، ۳. استفاده از ابزارآلات، بر افراد به‌ویژه نوجوانان و جوانان نفوذ می‌کند. قرآن کریم، با ارائه‌ی راهکارهای تربیتی مؤثر در ابعاد گوناگون ۱. تربیت اعتقادی (شناخت اصول عقاید، پذیرش و علاقه قلبی نسبت به آنها)، ۲. تربیت عقلانی (تزکیه، تعلیم حکمت، علم‌آموزی، عبرت‌آموزی، مشورت با خردمندان و تقلید کورکورانه)، ۳. تربیت اخلاقی (یاد خدا، توبه، استغفار، توکل به خدا، استعاذه، ترس از خدا، نماز و روزه، در محضر خدا بودن و پیکار با شیطان‌پرستان)، به مقابله با شیطان و شیطان‌پرستی می‌پردازد و از انسان‌ها می‌خواهد با به‌کارگیری آنها، خود را از آفات شیطانی مصون بدارند.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۲۲
از صفحه ۸۵ تا صفحه ۱۰۳

مصطفی کافی راد

دانشجوی دکتری تخصصی علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل
M.kafirad@yahoo.com

علیرضا عبدالرحیمی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، نویسنده مسئول
abdorrahimy.ar@gmail.com

فرج بهزاد وکیل آباد

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل
behzad.f.PHD@gmail.com

واژگان کلیدی:

شیطان‌پرستی، مقابله با شیطان‌پرستی، تربیت قرآنی.

بیان مسئله

در اینکه نام صحیح فرقه‌ی مورد بحث، «شیطان‌پرستی» یا «شیطان‌گرایی» است، میان صاحب‌نظران اختلافاتی وجود دارد. در بررسی علمی، در این باره سه نظر متفاوت مطرح است: ۱. برخی آن را شیطان‌گرایی می‌نامند و شیطان‌پرستی را اشتباه می‌دانند و معتقدند که ترجمه‌ی لفظی واژه‌ی «Satanism» «شیطان‌گرایی» است و شیطان‌پرستی شامل همه‌ی شاخه‌های آن نمی‌شود؛ زیرا بعضی از آنان نه تنها شیطان، بلکه هیچ موجودی را نمی‌پرستند و شیطان، تنها به‌عنوان یک منبع الهام برای آنان مطرح است و حتی عده‌ای از آنان وجود شیطان را به‌عنوان یک موجود انکار می‌کنند؛ ۲. برخی اطلاق هر دو واژه را صحیح می‌دانند و تفاوتی میان آن دو قائل نیستند؛ ۳. کتاب‌هایی که در این زمینه است، نام این فرقه را «شیطان‌پرستی» می‌دانند و دلیل خاصی برای این قول ندارند. در این مقاله، با آنکه دلایل گروه نخست، صحیح‌تر به نظر می‌رسد، اصطلاح «شیطان‌پرستی» به سبب مناسبت معنایی بیشتر، به‌عنوان نام این گروه انتخاب شده است. ترجمه‌ی واژه‌ی «شیطان‌گرایی» با پسوند «گرایی» معنا می‌دهد؛ اما واژه‌ی عامی است و در فارسی، بر هر گروهی اطلاق می‌شود که به‌نوعی عمل شیطانی انجام دهند. با توجه به اینکه نوع بدوی و بعضی از فرقه‌های امروزی، شیطان را به‌عنوان یک موجود خارجی قبول داشتند و می‌پرستیدند، می‌توان با کمی تسامح، عنوان «شیطان‌پرستی» را بر این گروه اطلاق کرد تا خلط تعاریف فرقی پیش نیاید (امین‌خندقی، ۱۳۹۰، ص ۲۷).

«شیطان‌پرستی» (Satanism) گروهی از باورهای ایدئولوژیک یا فکری است که شیطان را یک طرح و الگوی اصلی پیش از جهان آفرینش و موجودی زنده و مشترک با چند وجه از طبیعت انسان عنوان می‌کند. شیطان‌پرستان به‌جای اطاعت از دستورات الهی و پیروی از قوانین طبیعی و اخلاقی، بر پیشرفت فیزیکی خود با راهنمایی‌های موجودی مافوق یا قوانینی فرستاده‌شده تأکید دارند (رفیعی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۷). شیطان‌پرستی یک خیزش ضد مذهبی است که علیه آموزه‌های دینی شکل گرفت و هویت این جریان، به‌طور مشخص در اروپا، در مقابله با مسیحیت کلاسیک به وجود آمد. ترویج‌دهندگان شیطان‌پرستی، برای پیشبرد اهداف و سیاست‌های خود برای نفوذ در افراد اجتماع، به‌ویژه قشر نوجوان و جوانان، از انواع ابزارآلات و شیوه‌های جذاب و نوین مانند موسیقی، لباس، مراسمات، درست کردن نمادهای گوناگون، اعداد، رنگ‌کاری اندام‌های بدن و... استفاده می‌کنند و با اطلاعات دادن به مخاطبان خود از راه رسانه‌ها، ایدئولوژی آنان را به سمت خود سوق داده و اعمال و رفتار آنان را دستخوش تغییرات می‌کنند. برای مقابله با اهداف این پدیده شوم، به مطالعاتی نیاز است که بتواند راهکارهای تربیتی مؤثر ارائه کند. قرآن کریم در رسالت تربیتی خود، در ابعاد مختلف، به تربیت و تزکیه انسان‌ها پرداخته و متضمن راهکارهای تربیتی گوناگون برای مقابله با شیطان و شیطان‌پرستی است؛ بنابراین، هدف مطالعه‌ی حاضر، پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱- مهم‌ترین رویکردهای شیطان‌پرستان چیست؟

۲- راهکارهای تربیتی قرآن کریم برای مقابله با شیطان‌پرستی کدام‌اند؟

روش مطالعه

در این پژوهش، از روش اسنادی یا کتابخانه‌ای استفاده شده است. روش اسنادی عبارت است از کاوش منظم در اسناد، مدارک و منابعی که حامل حقایق مرتبط با پرسش اصلی پژوهشگر هستند. با محوریت قرآن کریم، برای نقد، بررسی، کشف حقایق، استخراج، دسته‌بندی، توصیف، تفسیر و تجزیه و تحلیل آنها و درنهایت، استفاده از همه‌ی این‌ها در گزارش نهایی (سام آرام، ۱۳۷۸ ص ۱۲۴)، مطالب و متون مرتبط با موضوع مطالعه و با استفاده از فیش‌برداری گردآوری شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش‌های تحلیل محتوای استقرایی و تحلیل متون استفاده گردید.

پیشینه‌ی پژوهش

جماعتی (۱۳۹۵) در مطالعه خود با عنوان «راه‌های تربیتی دور کردن ذهن و قلب از افکار و تخیلات شیطانی»، به مواردی از جمله خردورزی، یاد خدا، دوری از هوای نفسانی به‌عنوان راه‌های کنترل تخیلات شیطانی اشاره کرده است.

جعفرطیاری (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «فرایند چیرگی شیطان بر انسان با رویکرد تربیتی در قرآن و حدیث»، به بررسی این فرایند و نجات انسان از دست شیطان پرداخته و چگونگی چیرگی شیطان و نفوذ در عواطف و احساسات و سپس نفوذ در ادراک را بیان کرده است. عبدی و شکاری (۱۳۹۴) گزارش داده‌اند که ایجاد شکاف میان خانواده‌ها، تنش در افکار عمومی به‌ویژه جوانان، شکاف در مسائل بنیادین اعتقادی، سوءاستفاده‌های اقتصادی و پیامدهای امنیتی در حوزه‌های امنیت عمومی، اجتماعی، داخلی و امنیت اخلاقی، از آسیب‌های مهم فرقه‌ها و عرفان‌های کاذب نوظهور است.

شکر (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با «عنوان وسوسه‌ی شیطان و راهکارهای مقابله با آن در قرآن»، به معرفی ابلیس و شیطان پرداخته و با تبیین اهداف شیطان از دیدگاه قرآن، روش‌ها و ابزارهای تهدید شیطان را معرفی کرده و راهکارهای قرآنی برای رهایی از این خطر را برشمرده است. ادریسی و احمدی (۱۳۹۲) تأثیر وسوسه‌های شیطان در بدتریبیتی انسان از دیدگاه قرآن را مطالعه کرده و به دام‌های شیطان از جمله وعده‌ی فقر، امر به فحشا، امر به منکر، ایجاد دشمنی میان مسلمانان، بازداشتن انسان از یاد خدا پرداخته‌اند.

نتایج تحقیق رسولی و حسین‌نژاد (۱۳۹۰) با عنوان «شیطان‌پرستی به‌مثابه تهدید خاموش فرهنگی»، نشانگر آن است که معنویت‌گرایی کاذب و گرایش به سوی عرفان‌های ساختگی، در عصر حاضر، به یک پدیده و معضل جهانی تبدیل شده است.

مفهوم شناسی

در این قسمت به توضیح سه اصطلاح معنای شیطان و شیطان‌پرستی و شیطان‌پرستان از منظر اهل لغت و پژوهشگران می‌پردازیم:

۱. تأملی بر معنای شیطان

شیطان در اصطلاح، عنوان عامی برای موجود اغواگری است که هرآن، به گمراه ساختن افراد بی‌شماری مشغول است. بزرگان لغت و تفسیر، شیطان را مشتق از دو ماده‌ی «ش ط ن» یا «ش ی ط» دانسته‌اند (طریحی، ۱۳۷۵، ص ۲۷۲)؛ اما تمایل اغلب آنان به این است که از ماده‌ی «ش ط ن» به معنای دور شدن و دور شده از خیر مشتق شده است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ص ۵). به عقیده‌ی برخی، نون آن زائد است و اصل آن از «شاط- یشاط» به معنای احتراق است. به عقیده‌ی طبرسی، راغب و ابن اثیر و دیگران، «ن» شیطان اصل واژه است و آن از شطن یشطن، به معنی دور شدن است: «شطن عنه: بعد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۶۱) طبرسی می‌گوید: شیطان در لغت، هر نافرمان و سرکشی، اعم از انسان و جن و حیوان است؛ بنابراین، در قرآن «شَیْطَانِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ» آمده است و وزن آن فِعال است، از «شطن» به معنای دور شده؛ برخی آن را (فعلان) از فعل «شاط» به معنای باطل شدن دانسته‌اند؛ اما صحیح، همان قول اولی است؛ زیرا شاطن به معنای متمرّد و نافرمان در واژه‌های عرب دیده می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۷، ص ۱۹۱) همچنین برخی این واژه را از «شِیْطَن، تشیطن» مشتق می‌دانند (شرتونی، ۱۸۸۹ ق، ج ۱، ص ۵۲۹).

۲. شیطان‌پرستی

شیطان‌پرستی یک جنبش مکتبی، شبه‌مکتبی و شبه‌فلسفی است که پیروانش، شیطان را یک طرح و الگوی اصلی و به‌وجودآمده پیش از عالم هستی می‌پندارند. توجه به شیطان و الگو دانستن آن در این ماجرا، در قالب الهام از موجودات حقیقی یا انتزاعی شر و پلید و در بعضی از موارد، پرستش آن صورت می‌پذیرد (امین‌خندقی، ۱۳۹۰، ص ۳۷). شیطان‌پرستی نسبت به یکتاپرستی، گرایش منحرفی به‌شمار می‌آید و بر لذت‌های مادی-جسمانی تأکید دارد که آن را به یکی از منحط‌ترین تفکرات بشری تبدیل کرده است. این کیش در گذشته، به‌صورت عقاید خرافی و باطل پراکنده بوده؛ اما امروزه، به‌صورت سازماندهی‌شده و دارای معبد که شیطان‌پرستان آن را «کلیسا» نامیده‌اند و با پیروان مشخص ظهور یافته است. شیطان‌پرستی معاصر، با داعیه‌ی دین و معنویت و ایجاد آرامش روحی و روانی به میدان آمده است و جذابیت‌هایی دارد که فهم آن برای کسانی که تصور درستی از این آیین ندارند، بسیار دشوار است.

مطالعه‌ی تاریخی شیطان‌پرستی، سیر تکاملی آن را تا اواسط قرون وسطی و سپس حرکت انکشافی آن را از نیمه دوم این دوره تا شیطان‌گرایی مدرن نشان می‌دهد. در حدود قرن یازدهم تا سیزدهم میلادی که نظریه‌ی تجلی و سایر دیدگاه‌های عرفانی از عالم اسلام توسط اعراب یهودی به گنجینه‌ی حکمت پنهان یهود وارد شد، حرکت تکاملی شیطانی با مرکزیت خانواده‌های پرنفوذ یهودی بنا شد. از قرون دوازدهم و سیزدهم میلادی به‌تدریج، تحرک انکشافی شیطان‌گرایی آغاز می‌شود و تا شروع قرن بیست‌ویکم ادامه می‌یابد. در این دوره که شامل سده‌های پایانی قرون وسطی، عصر روشن‌گری و دوره‌ی مدرن است، انکشاف و پرده‌برداری از نگرش‌ها و مناسک شیطانی به چشم می‌خورد (امامیان و رفیعی، ۱۳۹۶ ص ۱۲۰-۱۱۵).

شیطان‌پرستی در بسیاری از نقاط دنیا مشاهده می‌شود. در قبایل آفریقایی، بین‌النهرین و شمال اروپا تا پیش از گسترش مسیحیت، پرستش «الهه‌ی تاریکی» رواج داشته است. در دهه‌ی ۱۹۶۰ م، شیطان‌پرستی از سوی غول سرمایه‌داری یهود صهیونیست پشتیبانی شد و چندین گروه شیطان‌پرست در انگلستان و آمریکا شکل گرفت که مشهورترین آنها، شیطان‌پرستی لایوایی بود که توسط «آنتوان زندر لایو» تأسیس شد. وی بنیان‌گذار «کلیسای شیطان» و نویسنده‌ی کتاب‌های انجیل شیطانی، جادوگر شیطانی و آیین شیطانی بود (مظاهری‌سیف و شریفی‌دوست، ۱۳۸۸، ص ۷۶-۷۹).

۳. شیطان‌پرستان

به‌طورکلی دو تعریف برای گروه شیطان‌پرستی وجود دارد: ۱. هر گروهی که شیطان را خدا بداند و آن را عبادت کند که معمولاً از آن به‌عنوان «الهه‌ی سیاه» یا «پادشاه تاریکی» یاد می‌کنند و آن را منتسب به طبیعت حقیقی انسان می‌نامند؛ ۲. گروه‌هایی که از دین مسیحیت تبعیت نمی‌کنند و عیسی^(ع) را با ویژگی‌های تعریف‌شده در دین مسیح قبول ندارند. این تعریف معمولاً از سوی بنیادگرایان مسیحی استفاده می‌شود و بسیاری از آیین‌ها از جمله ویکا^۱ (جادو و رزی) یا استرو^۲ را شیطان‌پرست می‌نامند. گروه‌هایی که دین‌های گذشته را شیطان‌پرست می‌نامند، بسیار اندک هستند؛ مانند فرقه‌ی «مورمون‌ها»^۳ یا چند فرقه‌ی کوچک دیگر. البته گاهی کاتولیک‌ها، پروتستان‌ها را نیز شیطان‌پرست نامیده‌اند و یا بالعکس؛ اما چنین اشتباهی به‌ندرت اتفاق می‌افتد (امین‌خندقی، ۱۳۹۰، ص ۳۷).

شیطان‌پرستان آموزه‌هایی دارند که در آثار مکتوبشان به‌وضوح مشاهده می‌شود. این آموزه‌ها مفاهیمی هستند که یا در همان نگاه نخست، تضادشان با آموزه‌های اسلامی مشهود است و یا ظاهر، گزاره‌های بی‌اشکالی هستند که با مفاهیم ارائه‌شده‌ی شیطان‌پرستان و یا با اعمالشان تناقض دارند (امامیان و رفیعی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۰-۱۱۵).

هدف اول. بررسی مهم‌ترین رویکردهای شیطان‌پرستی

بر اساس آیات قرآن، شیطان برای گمراه کردن انسان‌ها، از هر وسیله‌ای استفاده می‌کند. شیطان‌پرستان نیز ضمن پذیرش ولایت شیطان و تبعیت از فرمان‌های شیطانی، به ترویج افکار و اندیشه‌های شیطان می‌پردازند و بستر را برای پذیرش سلطه و افکار شیطانی در انسان‌ها فراهم می‌کنند و برای نیل به اهداف شیطانی، رویکردهای گوناگونی را در پیش می‌گیرند:

1- Wicca

2- Astro

3- Mormon

۱. تأثیر بر ایدئولوژی افراد:

تأثیر بر ایدئولوژی، اعتقادات و اندیشه‌ی انسان‌ها، ازجمله رویکردهای مهمی است که شیطانپرستان برای نفوذ در انسان‌ها به‌کار می‌گیرند:

۱-۱. ایجاد تردید در ایمان به خدا و باورهای اعتقادی:

عبادت و بندگی خدا، کمال انسان و هدف آفرینش است و خداوند بر آن تأکید فراوان دارد: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶)؛ جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند.» قرآن در توصیف پیروان شیطان می‌فرماید: «إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (اعراف: ۲۷)؛ ما شیاطین را سرپرستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند.» شیطانپرستان با توجه به اهمیت موضوع ایمان به خدا، آن را اولین هدف خود قرار می‌دهند و نهایت تلاش خود را به کار می‌بندد تا انسان‌ها را از مسیر بندگی خارج سازند و او را نسبت به خدا بدبین کنند. انکار و بدبینی و قطع ارتباط بنده با پروردگار، هدف اصلی شیطانپرستان در عصر حاضر تلقی می‌شود. در کتاب انجیل شیطانی، همه چیز در یک امر خلاصه می‌شود و آن هم «خودخدایی» انسان است. از دید رهبران شیطانی، هر انسان بالقوه است و اگر به آیین شیطانی بگردد، تبدیل به خدا می‌شود. لای نویسنده‌ی این کتاب می‌گوید: «هیچ بهشتی در آسمان نیست و هیچ جهنمی وجود ندارد که آدمیان را بسوزاند. همین‌جا و هم‌اکنون، روز لذت و فرصت توست» (لای، ۱۹۶۹، بخش دوم، ص ۱۲).

۱-۲. تقابل با دین:

در شیطانپرستی امروز، مهم‌ترین فرضیه‌ای که لای در کتابش مطرح می‌کند، «تقابل دیانت و لذت» است و هرکس مذهب و دین‌داری را انتخاب کند، باید لذت و خوشی را کنار بگذارد. انسان‌ها میان لذت و دیانت، باید یکی را انتخاب کنند (همان، ص ۴۹).

۳-۱. اتهام به حقیقت انسان و مشروعیت دادن به شرارت:

شرارت‌آمیز بودن وجود انسان، دومین فرضیه‌ای است که لای می‌پذیرد. شرارت و کینه و نفرت، نه‌تنها لازمه‌ی ذات انسان و اقتضای وجود اویند، بلکه بر سایر ساحت‌های وجودی انسان نیز حکومت دارند. بر اساس این گفته، خشونت نه‌تنها ارثی، بلکه ذاتی آدمی است و استفاده از خشونت، طبیعی است. تأکید وی بر جنبه‌ی تاریک وجود انسان، با این هدف است که مرجع بودن شیطان را برای انسان‌ها تثبیت کند تا بپذیرند که تکامل آنان در شیطنت طبیعی و شیطانی زیستن است (همان، ص ۲۳). امروزه، جنبش شیطانپرستی با تمام توان تلاش می‌کند با مشروعیت دادن به شرارت و شیطنت، تضاد درونی و آشفتگی روانی انسان‌ها را بکاهد و حتی وعده‌ی از بین بردن آن را می‌دهد. به همین منظور، برای هواداران خود از مرگ خدا سخن می‌گوید تا بتواند از این راه، فرشته‌ی درونی انسان‌ها را نابود کند و اگر در این مرحله به نتیجه نرسد، پایان دادن زندگی را پیشنهاد می‌کند و می‌گوید که با خودکشی می‌توان از هستی رو گرداند. شیطانپرستان می‌گویند: ما در دوران غلبه‌ی شر بر خیر زندگی می‌کنیم و این نشانه‌ی چیرگی شیطان بر خداست؛ پس شیطان، نیروی غالب است. جنبش شیطانپرستی برای جا انداختن این دروغ بزرگ، به فعالیت‌های تبلیغی گسترده‌ای دست زده است؛ بنابراین، شیطان را به‌عنوان قدرت غالب در جهان می‌داند و

می‌گوید اگر کسی می‌خواهد در جهان، خوب زندگی کند، باید شیطان‌پرست باشد و معتقدند راه خدا از طریق ارتباط با شیطان می‌گذرد (مظاهری سیف، ۱۳۸۸، ص ۱۲).

۴-۱. تحریف مفهوم دعا:

شیطان‌پرستان با ادعای ناتوانی خدا در اجابت خواسته‌ها، به تبلیغ ایده‌ی شیطان‌پرستی می‌پردازد. آنان چنین توضیح می‌دهند که برای حل مشکلات زندگی، هرروز دست به دعا برمی‌دارید و از خدا کمک می‌خواهید؛ اما خدا نه‌تنها مشکلات شما را برطرف نمی‌کند، بلکه هرروز مشکلات جدیدی بر سر راهتان قرار می‌دهد؛ پس نقطه‌ی مقابل خداوند یعنی شیطان، می‌تواند پناهگاه شما واقع شود (لاوی، ۱۹۶۹م، بخش اول ص ۲۲).

۵-۱. ترویج اباحه‌گری:

در طرح لاوی، مفاهیم خوبی و بدی، قلب ماهیت می‌شوند؛ یعنی حسادت، تکبر، زنا و طمع در کتاب انجیل شیطانی، به ضد خود تبدیل می‌شوند و مطلوب و مقتضای سرشت معرفی می‌گردند. دعوت به شر نیز به‌عنوان فرایند زیست طبیعی و الگوی زندگی متعالی مورد تأکید قرار می‌گیرد. با همین نگاه اگر کسی می‌خواهد از عذاب فرساینده‌ی وجدان نجات یابد، باید از دین دست بردارد و به شیطان‌پرستی روی آورد. در این کتاب، همه‌چیز در یک امر خلاصه می‌شود و آن‌هم «خودخدایی» انسان است (محمدی‌نیا، ۱۳۹۷، ص ۱۵۰).

۶-۱ وعده‌ی اقتدار:

شیطان‌پرستی برای گروهی از جوانان جذابیت دارد، نه از آن جهت که ذاتاً مطلوب است، بلکه بدان سبب که نقش جایگزین را در پر کردن خلأهای آنان دارد. جوانان معمولاً احساس ترس را با رفتارهای ضد ترس، به‌صورت غیرمستقیم و در قالب رفتارهای خطرناک و خطرپذیر دفع می‌کنند. اینجاست که بزرگ‌ترین جذابیت شیطان‌پرستی، خود را در قالب یک راه عملی نشان می‌دهد و آن‌هم «وعده‌ی قدرت» است. در آیین شیطان‌پرستی، زیست مقتدرانه، به‌عنوان هدف به دو شیوه دنبال می‌شود: از یک‌سو، احساس گناه و پشیمانی برداشته می‌شود (رفع مانع درونی) و از سوی دیگر، بر قدرت‌های شیطان (نقطه‌ی اتکای بیرونی) تأکید دارند. کسانی که پیش از ورود به شیطان‌پرستی، ترس‌های سرکوب‌شده داشته‌اند، با دو فرایند بالا، احساس بهبود و تسکین می‌کنند در شیطان‌پرستی، فریب مردم به‌ویژه برخی از جوانان و حتی والدین، نه‌تنها ارزش و بلکه نشانی از اقتدار معرفی می‌شود. بدین منظور، لاوی از پیروان شیطان می‌خواهد تا با ایجاد ترس و وحشت در دل مخالفان، برای خود اقتدار کسب کنند (موریارتی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵).

۲. تأثیر بر رفتار افراد:

شیطان‌پرستی بر رفتار افراد تأثیرات مخربی دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

۱-۲. لذت‌گرایی:

لذت‌گرایی (Hedonism) از اصول شیطان‌پرستی است که همه‌چیز، به هوس‌خواهی و لذت‌خواهی انسان ختم می‌شود. شیطان‌پرستان معتقدند استفاده از لذات در حد بالای آن، به‌ویژه

لذات جنسی، انگیزه‌ی لازم برای کارهای روزانه را فراهم می‌کند و باید به هر شکلی انجام شود (امین خندقی، ۱۳۹۰، ص ۶۹). از شرایط عضویت و پذیرش گروه‌های شیطان‌پرستی، مصرف مواد مخدری از جمله کوکائین، حشیش و قرص‌های اکس است و علت استفاده از این مواد را ورود به حالت خلسه برای انجام مراسم‌های ویژه‌ی آنان معرفی می‌کنند. استفاده از مواد مخدر و توهم‌زا، الکل و خودکشی، نوعی فرار از مشکلات روانی و گریز از تهدیدات اجتماعی در زندگی امروز آنان است (موریارتی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۰).

۲-۲. انجام مناسک جنسی:

یکی از اهداف شیطان‌پرستی، انجام مناسک جنسی است. صنعت سکس و تجارت تن به همراه صنایع مشروب سازی، قاچاق مواد مخدر، قماربازی و سینما، جزء پرسودترین تجارت‌های دنیاست که در انحصار یهود صهیونیست است (امین خندقی، ۱۳۹۰، ص ۷۰-۷۳). کارهایی که از دیدگاه انسان اخلاق‌مدار نکوهیده است، از دید آنان روا است؛ همچون تجاوز جنسی، هم‌جنس‌بازی، خون‌آشامی و قتل. آنان معتقدند هر شیطان‌پرستی که قتلش بیشتر و بی‌رحمانه‌تر باشد، به درگاه شیطان نزدیک‌تر خواهد بود. زنا با محارم، بهره‌جویی جنسی از کودکان در انظار عمومی و عریان شدن در میان جمع، بخش دیگری از عملکردهای شیطان‌پرستان است (نگارش، ۱۳۹۲، ص ۸۶). لاوی با تمام توان، به تبلیغ اباحی‌گری و ارتباط نامحدود زن و مرد (سکس آزاد) می‌پردازد و هیچ عذر و حریمی را در این مسیر قائل نیست و تصریحاً می‌گوید که شیطان‌پرستی، دین بدن است تا روح (محمدی‌نیا، ۱۳۹۷، ص ۱۵۲). قرآن در این‌باره می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (نور: ۲۱ و بقره: ۲۶۸)؛ هر کس پیرو شیطان شود، او به فحشا و منکر فرمان می‌دهد.»

۲-۳. انجام اعمال ماورایی:

قرآن می‌فرماید: «وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السُّحْرَ (بقره: ۱۰۲)؛ اما شیاطین کفر ورزیدند و به مردم سحر آموختند.» رفتارهای ساحران و جادوگری و مناسک خاص ماورایی، یکی از اهداف شیطان‌پرستی است و با تاریخ جادوگری و رابطه با شیاطین ارتباط دیرینه دارد و نه تنها در گذشته، در خدمت آن بوده است، بلکه امروزه، محور و رکن آن محسوب می‌شود. وجه خاصی که شیطان‌پرستان به اعمال جادویی دارند، به عرفان رازآلود و جادویی کابالا برمی‌گردد (مظاهری‌سیف، شریفی‌دوست، ۱۳۹۱، ص ۱۶).

۲-۴. انجام اعمال جاهلی:

در این آیه، خداوند به رفتارهای ناپسند تحت امر شیطان اشاره می‌کند که از انسان سر می‌زند: «وَأَضَلَّتْهُمْ وَآمَنَتْهُمْ وَلَا مَرْئِيَهُمْ فَلَيُبَيِّنَنَّ آدَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْتَهُمْ فَلَيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ (نساء: ۱۱۹)؛ و آنان را گمراه می‌کنم و به آرزوها سرگرم می‌سازم و به آنان دستور می‌دهم که (اعمال خرافی انجام دهند و) گوش چهارپایان را بشکافند و آفرینش پاک خدایی را تغییر دهند.»

۳. استفاده از ابزار

شیطان پرستان، برای انتقال مفاهیم انحرافی خود به افراد جامعه، از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند:

۳-۱. نمادسازی:

گاهی انتقال افکار و اندیشه‌ها از راه گفتاری یا نوشتاری دشوار است و تعداد کمی با آن ارتباط برقرار می‌کنند؛ اما نمادها، به علت داشتن ظرفیت بالای هنری و احساسی، به راحتی جایگاه خود را در فرهنگ عمومی می‌یابند و به صورت جذاب، در جامعه گسترش پیدا می‌کنند. نمادهای شیطانی در طیف وسیعی از اشیاء و لوازم شخصی از لباس، کفش، ساعت، انگشتر، دستبند گرفته تا رنگ و طرح اتاق خواب و عروسک تزئینی، برچسب کودک پنج‌ساله و سر دسته‌ی عصای پیرمرد هفتادساله کاربرد دارند (جزایری، ۱۳۸۵، ص ۶۱). جذب افراد با تبلیغ و ترویج مدهای جدید مو، لباس، آرایش غیرمتعارف، اختصاص بودجه‌های اقتصادی برای فعالیت‌های شوم از طریق فروش علائم، به صورت جواهر یا لباس، استفاده و ترویج جادوگری، فلسفه‌بافی و رفتار رمزگونه در پشت‌پرده‌ی نمادها و به سُخره گرفتن ادیان الهی به‌ویژه مسیحیت، مختص شیطان‌پرستی است.

۳-۲. استفاده از آهنگ‌های خشن:

از نظر محتوا و مضمون، ابتذال و خشونت جزء لاینفک درون‌مایه‌ی ترانه‌های شیطانی است؛ مضامینی که حول محورهای بی‌پروایی جنسی، القای ترس در ذهن و جان دیگران و ضدیت با آموزه‌های وحیانی و الهی می‌چرخد (محمدی‌نیا، ۱۳۹۷، ص ۱۶۱). غنا و موسیقی، از مصادیق آشکار لهو و یکی از ابزارهای مهم شیطانی است و امروزه، نغمه‌های شیطانی همه‌ی جوامع را با پیچیدگی بیشتر زیر نفوذ قرار داده و همواره انسان‌ها را به سوی بدی‌ها تحریک کرده و از خوبی‌ها بازداشته و ارزش‌ها را کم‌رنگ نموده است (دانش، ۱۳۸۸، ص ۶۴) در این آیه، به این ابزار به‌عنوان یکی از راه‌های نفوذ شیطان در انسان اشاره شده است: «وَ اسْتَفْزَزَ مَنْ اسْتَطَعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ (اسراء: ۶۴)؛ هرکدام از آنان را که می‌توانی، با صدایت تحریک کن.» دستور اکیدی که شیطان پرستان ناچار به اجرای آن هستند، شنیدن آهنگ‌هایی است که خشونت، وحشت و نفرت را به همراه دارد. آنان خوانندگان بسیار خشنی را که در صدایشان غرش حیوانات وحشی را می‌توان شنید، سمبل قدرت شیطان می‌دانند و نیازهای خود را با خشونت زیاد رفع می‌کنند. اهانت به ادیان به‌عنوان آزادی بیان، در تصنیف‌های خوانندگان شیطان‌پرست تبلیغ می‌شود. موسیقی جاز که از موسیقی Yidish یهودیان برگرفته شده، بر ذهن جوانان نفوذ می‌کند به‌گونه‌ای که مایکل جکسون یهودی را از تمام مقدسین کلیسا برتر می‌دانند و گروه بیت‌ها اعلام کرده که از خدا نیز معروف‌تر است و عملاً پرچم مبارزه با خدا را برافراشته‌اند (جزایری، ۱۳۸۵، ص ۶۱).

۳-۳. هنر سینما

سینمای هالیوود، یکی از خاستگاه‌های ترویج شیطان‌پرستی و بلکه قدرتمندترین ابزار تبلیغی این جریان در دنیا محسوب می‌شود. این نقش آن‌قدر پررنگ است که عنوان «پیامبر شیطان‌پرستی» برای این رسانه‌ی یهودی و صهیونیستی، دور از انتظار نیست. ماهیت و مأموریت فرقه‌ی شیطان‌پرستی که امروزه در هالیوود با نام یک آیین و مکتب تبلیغ می‌شود، در محصولات هالیوودی، به‌وضوح

نمایان است. نگاهی گذرا به چند اثر هالیوودی می‌تواند از طرح حساب‌شده‌ی هالیوود، در رسمیت دادن به این فرقه و جذابیت‌بخشی به آن پرده بردارد. هنر سینما در این باره چنان معجزه‌آسا عمل می‌کند که در فرایند ارتباط دوسویه، مخاطب را مسحور می‌کند و مخاطب قدرت تشخیص پیام و تفکیک محتوا از قالب را از دست می‌دهد و در بسیاری از موارد، خود را با یک اثر هنری، نه تنها همراه می‌بیند، بلکه همدلانه، برای خود نقش در نظر می‌گیرد و تلاش می‌کند که در اجرای نقش، موفق عمل کند. به این ترتیب، محتوای ناشایست و پیام نادرستی به نام شیطان‌پرستی، آرام آرام خود را به فکر مخاطب نزدیک می‌کند و بر قلب او سایه می‌افکند و انسان تھی از اندیشه‌ی الهی را تسلیم خود و روح و اندیشه‌ی او را در کمترین زمان تسخیر می‌کند (محمدی‌نیا، ۱۳۹۷، ص ۱۶۳).

هدف دوم: راهکارهای تربیتی قرآن کریم در مقابله با شیطان‌پرستی

مهم‌ترین فلسفه نزول قرآن، پرورش روحی و معنوی بشر است. همه‌ی آیات قرآن پیام تربیتی دارند و آیه‌ای در قرآن وجود ندارد که ناظر بر تربیت انسان نباشد؛ زیرا خداوند، رب‌العالمین است. واژه‌ی «تربیت» در قرآن به کار نرفته؛ اما از ریشه‌ی آن، دو بار به معنای تربیت انسان آمده است: «رَبِّ إِرْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا (اسراء: ۲۴)؛ پروردگارا! همان‌گونه که (پدر و مادر) مرا در کودکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان گردان» و «أَلَمْ نُزَكِّبْ فِينَا وَلِيدًا (شعراء: ۱۸)؛ آیا ما تو را (ای موسی) در کودکی در میان خودمان پرورش ندادیم؟»؛ اما واژه‌هایی چون «هدایت»، «تزکیه» و «تطهیر» فراوان به کار رفته‌اند که بیانگر کاربست قرآن در عرصه‌ی تربیت انسانی‌اند (احسانی، ۱۳۸۷، ص ۷۵). قرآن در راستای رسالت تربیتی خود، به تربیت ابعاد گوناگون وجودی انسان از جمله اعتقادی، عقلانی، اخلاقی و اجتماعی پرداخته است. در روند تربیت و تعالی انسان، همواره تهدیداتی وجود دارد که سرچشمه‌ی آن، القائات شیطانی است و شیطان سوگند خورده است که انسان را گمراه و جایگاه خلیفه‌ی الهی او را خدشه‌دار و بلکه از او سلب کند. نجات از این توطئه‌ی شیطانی، جز با الهام از مکتب حیات‌بخش قرآن و اهل‌بیت^(ع) امکان‌پذیر نیست. قرآن با طرح دو واژه‌ی «ابلیس و شیطان» بیش از صدمبار، برای مقابله با اندیشه‌ی شیطانی، به تربیت اعتقادی، عقلانی و اخلاقی انسان‌ها پرداخته و به رعایت این دستورات ملزم کرده است. انسان نیز باید با همه‌ی وجود، به خودسازی و تربیت خود بپردازد تا به سوی هدف متعالی (قرب الهی) نزدیک‌تر شود.

۱. تربیت اعتقادی

تربیت اعتقادی فرایندی است که به ایجاد و تعمیق باورهای اعتقادی اسلام یعنی باور به وجود خداوند، پیامبران، امامت و معاد در مخاطبان و شکوفایی و به کمال رساندن آنان می‌انجامد؛ به عبارت دیگر، مجموعه اقداماتی است که مربی برای شکل‌دهی نظام باورها، اقناع فکری و پذیرش قلبی و التزام درونی در مرتبه‌ی انجام می‌دهد (اعرافی و موسوی، ۱۳۹۲، ص ۴۹). هدف تربیت اعتقادی، پرورش ایمان و اعتقاد به آموزه‌های بنیادین دینی است. در بررسی معانی گوناگون اعتقاد و ایمان مشخص می‌شود که میان این دو از نظر معنایی، ارتباط بسیار نزدیکی وجود دارد؛ بنابراین می‌توان گفت که تربیت اعتقادی نیز

مانند ایمان، سه مؤلفه‌ی شناخت، پذیرش و محبت دارد؛ به عبارت دیگر، هدف از تربیت اعتقادی این است که نخست، انسان بتواند خدا، پیامبر، ائمه و معاد را بشناسد، دوم، آنها را بپذیرد و سوم، نسبت به آنها محبت قلبی پیدا کند (داوودی، ۱۳۸۸، ص ۵۶).

۱-۱. مؤلفه‌های تربیت اعتقادی:

الف. شناخت: به این معنا که متربی باید شناخت کافی درباره‌ی آموزه‌های بنیادین مانند خدا، صفات خدا، نبوت، امامت و معاد داشته باشد؛ زیرا بدون شناخت، ایمان و اعتقادی نیز حاصل نخواهد شد و اگر حاصل شود، پایدار نخواهد بود.

ب. پذیرش: ممکن است کسی نسبت به آموزه‌های دینی، شناخت کافی داشته باشد؛ اما آنها را نپذیرد. البته تا زمانی که مؤلفه‌ی دوم حاصل نشود، ایمان و اعتقادی نیز در وجود متربی جوانه نمی‌زند.

ج. محبت و علاقه: اگر کسی خدا را بشناسد و در برابر این شناخت تسلیم شود؛ اما تا هنگامی که جرقه‌ای از محبت و علاقه در دل او، نسبت به خداوند روشن نشده باشد، به مرحله‌ی ایمان قلبی نرسیده است. توجه به این نکته ضروری است که در تربیت اعتقادی نمی‌توان به یک یا دو مؤلفه پرداخت و از دیگر مؤلفه‌ها غافل شد. یک‌سونگری از آفات خطرناک تربیت اعتقادی است که یا تلاش‌های تربیتی را بی‌نتیجه می‌گذارد و یا به نتیجه‌ای منجر می‌شود که مطلوب نیست (داوودی، ۱۳۸۸، ص ۵۸).

۲-۱. راهکارهای تربیت اعتقادی در قرآن

در آیات گوناگون قرآن، برای مقابله با شیطان، بر تقویت ایمان به اصول اعتقادی توحید، نبوت و معاد تأکید شده است:

الف. ایمان به توحید

قرآن می‌فرماید: «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا (بقره: ۲۵۶)؛ بنابراین، کسی که به طاغوت [بت و شیطان و هر طغیانگر] کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره‌ی محکمی چنگ زده است که گسستنی برای آن نیست.»
«وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا (نساء: ۱۱۹)؛ و هرکس شیطان را به جای خدا، ولی خود برگزیند، زیان آشکاری کرده است.»

«الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ (یس: ۶۰-۶۱)». آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید؟ که او برای شما، دشمن آشکاری است و اینکه مرا بپرستید که راه مستقیم این است؛» همچنین آیات بقره: ۱۶۸ و ۲۰۸.

ب. ایمان به نبوت

خداوند می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا هَمَّيْنَا الشَّيْطَانَ فِي أُمَّمِنَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ (حج: ۵۲)؛ هیچ پیامبری را پیش از تو نفرستادیم، مگر اینکه هرگاه آرزو می‌کرد، شیطان القائاتی در آن می‌کرد؛ اما خداوند القائات شیطان را از میان می‌برد؛ سپس آیات خود را استحکام می‌بخشید.»

ج. ایمان به معاد:

«... وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا (نساء: ۳۸)؛ ... و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند و کسی که شیطان قرین او باشد، بد هم‌نشین و قرینی است.»
«يَعِدُّهُمْ وَيُمْنِيهِمْ وَمَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا- أُولَئِكَ مَاوَأَهُمْ جَهَنَّمَ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا (نساء: ۱۲۰-۱۲۱)؛ شیطان به آنان وعده‌ها (ی دروغین) می‌دهد و به آرزوها، سرگرم می‌سازد، درحالی‌که جز فریب و نیرنگ، به آنان وعده نمی‌دهد- آنان [= پیروان شیطان] جایگاهشان جهنم است و هیچ راه فراری ندارند.»
در آیات دیگری چون (انعام: ۷۱)، (نور: ۲۱)، (اعراف: ۱۷۵)، (اعراف: ۳۰) و (انعام: ۱۴۲)، نیز به تربیت اعتقادی انسان‌ها اشاره شده است.

۲. تربیت عقلانی

در نظام تربیتی اسلام، پرورش عقلی اهمیت ویژه‌ای دارد. آیات قرآن با تعبیر گوناگون، از عقل و بعد ارزشمند وجود انسان سخن می‌گوید و با واژه‌ی «الباب» جمع لبّ به معنای خرد بیان می‌کند که ارزش واقعی انسان، به عقل اوست. تربیت عقلانی بر پرورش قدرت عقلی دلالت دارد و آموزش اندیشیدن است نه اندیشه (رهبر، رحیمیان، ۱۳۸۶، ص ۵۷). یکی از راهکارهای تربیتی قرآن کریم برای کنترل اندیشه شیطانی، بهره‌مندی از نیروی عقل است. قرآن می‌فرماید: «هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَيَلْعَلُوا آهَمًا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرُ أُولَئِالْبَابِ (ابراهیم: ۵۲)؛ این (قرآن) حجت بالغ برای همه‌ی مردم است و تا بدان وسیله، خداشناس و خداترس شوند و تا عموم بشر خدا را به یگانگی بشناسند و صاحبان عقل، متذکر و هوشیار گردند.» ضرورت پرورش روحیه‌ی تعقل و خردمندی و استفاده‌ی منطقی از این موهبت الهی سبب می‌شود که آدمی از افکار و اندیشه‌ی غیرالهی و شیطانی در امان باشد. البته در نگرش تربیت دینی، عقل ضعیف (عقل معاش)، به‌تنهایی قادر به مهار احساسات سرکش و القائات شیطانی نیست، بلکه باید عقل را با انجام اعمال صالح و خداپسندانه، پرورش داد و هدایت کرد و با توسل به اهل‌بیت^(ع) نورانی نمود.

۲-۱. راهکارهای تربیت عقلانی در قرآن

الف. تزکیه: یکی از روش‌های زمینه‌ساز تربیت عقلانی، مهار طغیان‌های نفسانی با دوری از هوی و هوس، دوری از عجب، پرهیز از خشم و غضب و مانند آنهاست. تن دادن به هوس‌ها موجب می‌شود که عمل بد، نیک و عمل نیک، ناپسند جلوه داده شود. چنان‌که قرآن می‌فرماید: «وَيُزَكِّيْكُمْ (بقره: ۱۵۱ و آل عمران: ۱۶۴)؛ و شما را پاک کند.»

ب. تعلیم کتاب و حکمت: در تعلیم کتاب و حکمت، روش قرآن بر این است که از مراحل مانند مواجهه حسی، اندیشه‌ورزی، ارزیابی اندیشه‌های سست و استدلال سخن به میان می‌آید: «وَيَعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيَعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (بقره: ۱۵۱ و آل عمران: ۱۶۴)؛ و به شما، کتاب و حکمت بیاموزد و آنچه را نمی‌دانستید، به شما یاد دهد.»

«الشَّيْطَانُ يَعِدُّكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ- يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ

خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَدَّكُرُ إِلَّا أَوْلُو الْأَلْبَابِ (بقره ۲۶۸-۲۶۹)؛ شیطان، شما را (به هنگام انفاق) وعده‌ی فقر و تهیدستی می‌دهد و به فحشا امر می‌کند. خدا دانش و حکمت را به هرکس بخواهد، می‌دهد و به هرکس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است و جز خردمندان متذکر نمی‌گردند.» داستان حضرت ابراهیم^(ع) و درهم شکستن بت‌ها و قرار دادن تبر بر دوش بت بزرگ نیز، مثال روشنی از تعلیم حکمت است که در قرآن ذکر شده است.

ج. علم‌آموزی: فراگرفتن علم سودمند، رشد عقل را در پی دارد و شرط تعقل مطلوب نیز، بهره‌گیری از علم است: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (زمر: ۹)؛ بگو آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند، یکسانند؟! تنها خردمندان متذکر می‌شوند.» از سوی دیگر، خداوند کسانی را که بدون علم و آگاهی، به مجادله با خدا می‌پردازند، پیروان شیطان معرفی می‌کند: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ» (حج: ۳).

د. عبرت‌آموزی: عبرت‌آموزی از عوامل دیگری است که بر تربیت عقلانی تأثیر دارد. قرآن در این باره می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ (يوسف: ۱۱۱)؛ در سرگذشت آنان، درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود.» «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَى (نازعات: ۲۶)؛ در این عبرتی است برای کسی که (از خدا) بترسد»؛ همچنین در آیات (حشر: ۲) و (آل عمران: ۱۳)، به عبرت‌آموزی اشاره شده است.

ح. مشورت با خردمندان: در تربیت اسلامی، مشورت با خردمندان، عامل رشد عقل و خرد خوانده است، به طوری که قرآن می‌فرماید: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ (آل عمران: ۱۵۹)؛ و در کارها، با آنان مشورت کن.»

و. دوری از تقلید کورکورانه: خداوند برای تربیت عقلانی انسان و در نكوهش به کار نگرفتن نیروی تعقل و تقلید کورکورانه از گذشتگان می‌فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْكُورًا أُولُو الْأَلْبَابِ (لقمان: ۲۱)؛ و هنگامی که به آنان گفته شود از آنچه خدا فرستاده است، پیروی کنید، می‌گویند: نه بلکه ما از چیزی پیروی می‌کنیم که پدران خود را بر آن یافتیم. آیا حتی اگر شیطان آنان را به عذاب آتش فروزان دعوت کند (بازهم تبعیت می‌کنند)؟» خداوند در این آیه، از پیروی از نیاکان جاهل و منحرف، به‌عنوان راه شیطانی یاد کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).

۳. تربیت اخلاقی

گرایش به فضایل اخلاقی از فطرت بشر سرچشمه می‌گیرد و شکوفایی آن نیازمند تربیت است. تربیت اخلاقی به معنای چگونگی به‌کارگیری و پرورش استعدادهای درونی انسان برای رشد و تثبیت صفات پسندیده اخلاقی، به‌منظور انجام رفتارهای پسندیده‌ی اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی است. علامه طباطبایی معتقد است که هدف تربیت اخلاقی، رسیدن به توحید در زمینه‌ی اعتقاد و عمل است که باید به عبودیت الهی بینجامد و این هدف مخصوص قرآن است (کیبیری و معلمی، ۱۳۸۸، ص ۷۰).

۱-۳. توبه:

اولین گام برای مقابله با اندیشه‌ی پلید شیطانی و پاک‌سازی انسان از آلودگی‌هایی است که شیطان در او ایجاد کرده است. از دیدگاه قرآن، توبه بهترین عاملی است که گناهان را پاک می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا (تحریم: ۸)؛ الا ای مؤمنان! به درگاه خدا، توبه‌ی نصح (با خلوص و دوام) کنید»، به طوری که نخستین اقدام شیطان که آدم را به لغزش کشاند، با توبه‌ی حضرت آدم^(ع) جبران شد: «فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ (بقره، ۳۷)؛ سپس آدم از پروردگارش، کلماتی دریافت کرد و خداوند توبه او را پذیرفت.»

۲-۳. استغفار:

استغفار در لغت، از ماده‌ی «غفر» به معنای پوشاندن و مستور کردن است. استغفار رگ حیات شیطان را قطع و گناهان انسان را پاک و به پاداش تبدیل می‌کند. طلب آمرزش از خداوند در صورتی محقق می‌شود که ندامت قلبی و پشیمانی از خطایی که واقع شده است، حاصل گردد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ص ۵۴)؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: «وَاسْتَغْفِرِ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا (نساء: ۱۰۶)؛ و از خداوند، طلب آمرزش نما که خداوند آمرزنده و مهربان است» و نیز می‌گوید: «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ (آل عمران: ۱۳۵)؛ و آنان که وقتی مرتکب عمل ناپسندی شوند، یا به خود ستم کنند، به یاد خدا می‌افتند و برای گناهان خود، طلب آمرزش می‌کنند.» این معجزه‌ی استغفار است.

۳-۳. ذکر و یاد خداوند:

از دیدگاه قرآن به‌عنوان یک منظومه‌ی تربیتی، غفلت، فراموشی و نداشتن بصیرت، از مهم‌ترین عوامل نفوذ شیطان است. قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ (زخرف: ۳۶)؛ و هرکس از یاد خدا روی‌گردان شود، شیطانی را بر او مسلط می‌سازیم که همواره هم‌نشین او خواهد بود.» همچنین «اسْتَخُودَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَٰئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ (مجادله: ۱۹)؛ شیطان بر آنان سخت احاطه کرده که فکر و ذکر خدا را به کلی از یادشان برد. آنان حزب شیطانند.» ذکر و یاد خدا از عواملی است که رابطه‌ی انسان با معبودش را حفظ می‌کند و از او نور و قوت می‌گیرد؛ بنابراین، راهی که به بصیرت بینجامد، راه مبارزه با شیطان است؛ به همین علت، قرآن یاد خدا را عامل بصیرت می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ (اعراف: ۲۰۱)؛ پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد (خدا) می‌افتند و ناگهان بینا می‌گردند.» درجه اهمیت یاد خداوند تا آن حد است که اگر شیطان بتواند این سلاح بزرگ را از انسان بگیرد، درواقع، او را خلع سلاح کرده است و قطعاً بر او چیره خواهد شد. یاد خدا، به صورت زبانی و عملی، نه تنها انسان را از اندیشه‌های شیطانی دور می‌کند، بلکه برای او چنان حالتی ایجاد می‌شود که حتی با ورود به ورطه‌ی گناه می‌تواند خود را حفظ کند (جماعتی، ۱۳۹۵ ص ۱۶-۱۹).

۴-۳. توکل به خداوند:

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تربیتی برای مقابله با شیطان، توکل به خداوند است. توکل به معنای انقطاع کامل از غیرخدا در دو حوزه اعتقاد و عمل است. کسی که تنها به خداوند اعتماد و اتکال دارد، وسوسه‌های شیطانی و دروغین او نمی‌تواند ذره‌ای در وی تأثیر بگذارد. توکل به معنای استفاده نکردن از اسباب عادی و گوشه‌گیری نیست، بلکه انسان برای هیچ‌چیز استقلال قائل نشود و تأثیر همه‌چیز را از خداوند بداند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ص ۲۱۶). خداوند می‌فرماید: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (نحل: ۹۹)؛ شیطان بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، تسلط ندارد» و نیز گوید: «إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ... وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (مجادله: ۱۰)؛ نجوا، تنها از سوی شیطان است...؛ پس مؤمنان، تنها بر خدا توکل کنند؛ بنابراین، انسان به هراندازه که ایمان و توکل به خدا داشته باشد، از سلطه‌ی شیطان بیرون می‌آید و از انحراف مصون خواهد ماند.

۵-۳. استعاذه

استعاذه و پناه بردن به خداوند، از راهکارهای تربیتی مهم قرآن کریم در مبارزه با شیطان است. درواقع، وسوسه‌های شیطانی سر از طبیعت خود انسان درمی‌آورد و تا زمینه‌ی گناه و منشأ آن در وجود انسان نباشد، شیطان طمع نمی‌کند. راز اینکه شیطان نمی‌تواند بندگان خالص را فریب دهد، استعاذه‌ی بالله است (خزائلی، ۱۳۹۳ص ۵۲). خطر ابلیس از یک‌سو، از خطر حیوان درنده بیشتر است؛ زیرا خطر دینی و آخرتی است و از سوی دیگر، قلعه‌ای محکم‌تر و امن‌تر از ایمان به خداوند وجود ندارد. قرآن می‌فرماید: «وَإِنَّمَا يَنْزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ» (فصلت: ۳۶)؛ و هرگاه وسوسه‌هایی از شیطان متوجه تو گردد، از خدا پناه بخواه که او شنوده و داناست» و «وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ» (مؤمنون: ۹۷)؛ و بگو پروردگارا! از وسوسه‌های شیاطین به تو پناه می‌برم؛ همچنین دستور داده است که هنگام قرائت قرآن، از شیطان رجیم به خدا پناه ببریم: «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (نحل: ۹۸).

۶-۳. خوف از خدا:

ترس از خداوند، از جمله راهکارهای مقابله با شیطان و عامل بازدارنده از گناه است. خداوند می‌فرماید: «إِنَّمَا دَلِكُمْ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۷۵)؛ این تنها شیطان است که پیروان خود را می‌ترساند. از آنان نترسید و تنها از من بترسید، اگر ایمان دارید.» در آیه‌ی دیگری، به بازدارندگی ترس از خدا از گناه اشاره کرده و فرموده است: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَيَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» (نازعات: ۴۰)؛ و آن‌کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوی بازدارد، قطعاً بهشت جایگاه اوست.»

۷-۳. نماز و روزه

نماز یکی از مؤثرترین سلاح انسان، در مقابله با حملات همه‌جانبه‌ی شیطان و افکار انحرافی است. نماز زیباترین شکل شکرگزاری و مظهر اتم پرستش خدا است و اگر با آداب خاص اقامه شود، نمازگزار را به عالم پاکی و قداست بالا می‌برد و دام‌های شیطانی را از پای او درمی‌آورد و اگر از روی

صداقت به‌جا آورده شود، در راندن شیطان و زدودن غبار گناه از آینه‌ی دل نقش ویژه‌ای دارد. در قرآن کریم سفارش شده است که هنگام هجوم گرفتاری‌ها و لشکریان شیطانی، از نماز و روزه یاری بگیرند و خود را از آنها خلاص بخشند: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (بقره، ۴۵)؛ از صبر و نماز یاری جوید و این کار جز برای خاشعان، گران است. «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ ... وَيَصُدُّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ» (مائده: ۹۱)؛ شیطان می‌خواهد... و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد.»

۸-۳. در محضر خدا بودن

ازجمله برنامه‌های راهبردی که مانع نفوذ اندیشه شیطانی در وجود انسان می‌شود، این است که انسان همیشه خود را در محضر خداوند ببیند و پیش از ارتکاب گناه، برای خود تداوی کند که در پیشگاه خداست: «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى» (علق: ۱۴)؛ آیا او ندانست که خداوند می‌بیند؟؛ «وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» (توبه: ۱۰۵)؛ بگو: عمل کنید! خداوند و فرستاده‌ی او و مؤمنان اعمال شما را می‌بینند. اساساً همه‌ی عالم هستی، محضر خدا است و چیزی از اعمال و نیات آدمی، از او پنهان نیست. این حس درونی می‌تواند در زندگی انسان اثر فراوانی داشته باشد و او را از خلاف‌کاری و ارتکاب گناه بازدارد، مشروط بر اینکه ایمان در قلب او به‌صورت یک باور قطعی درآید.

۹-۳. پیکار با شیطان پرستان

راهکار دیگر قرآن کریم در مقابله با پیروان شیطان، پیکار و جنگ با آنان است: «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» (نساء: ۷۶)؛ کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می‌کنند و آنان که کافرند، در راه طاغوت؛ پس شما با یاران شیطان پیکار کنید؛ زیرا که نقشه‌ی شیطان، ضعیف است. از این آیه برمی‌آید که کسانی که ایمان دارند، باید برای حفظ ایمان خود، با یاران شیطان پیکار کنند و از آنان وحشت نداشته باشند. طاغوت و قدرت‌های طغیانگر و ظالم، هرچند به‌ظاهر بزرگ و قوی جلوه کنند؛ اما از درون، زبون و ناتوانند. از ظاهر مجهز و آراسته‌ی آنان نهراسید؛ زیرا درونشان خالی است و نقشه‌های آنان همانند قدرت‌هایشان، سست و ضعیف است؛ چون متکی به نیروی لایزال الهی نیست، بلکه متکی به نیروهای شیطانی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ج ۴ ص ۱۲).

نتیجه‌گیری

امروزه، شیطان‌پرستی در قالب تهدیدات خاموش و درعین‌حال حساب‌شده تلاش می‌کند تا انسان‌ها را از دایره‌ی تربیت و ولایت الهی خارج سازد و دنیایی را برای پیروان خود مجسم می‌کند که هیچ روزنه‌ی امیدی برای آن یافت نمی‌شود و هدفی را جستجو می‌کند که در جهان حقیقی وجود ندارد.

نتایج حاصل از انجام این مطالعه نشان داد که ترویج‌دهندگان شیطان‌پرستی، برای پیشبرد اهداف و سیاست‌های خود در قالب سه مقوله‌ی اصلی، در انسان‌ها نفوذ می‌کنند که عبارتند از:

۱. تأثیر بر ایدئولوژی افراد که از راه ایجاد تردید در ایمان به خدا و باورهای اعتقادی، تقابل با دین، اتهام به حقیقت انسان و مشروعیت دادن به شرارت، تحریف مفهوم دعا، ترویج اباحه‌گری و وعده‌ی اقتدار صورت می‌گیرد؛

۲. تأثیر بر رفتار افراد به شیوه‌های لذت‌گرایی، انجام مناسک جنسی خاص، اعمال ماورایی و جاهلی؛

۳. استفاده از ابزار گوناگون شامل نمادها و علائم خاص و موسیقی خشن و هنر سینما. امروزه، با وجود همه‌ی شیوه‌های نفوذ شیطان و شیطان‌پرستی، انسان می‌تواند با بهره‌گیری از تعالیم و راهکارهای تربیتی قرآن کریم در ابعاد گوناگون، راه‌های نفوذ آنها را در خود ببندد و با به‌کارگیری دستورات الهی، افکار پلید و اذنباب شیطانی را از خود دور کند و از آفات آن در امان باشد:

۱. تربیت اعتقادی با شناخت هرچه بیشتر اصول عقاید، پذیرش آنها، علاقه و محبت قلبی نسبت به آنها؛

۲. تربیت عقلانی با راهکارهای تزکیه، تعلیم حکمت، علم‌آموزی، عبرت‌آموزی، مشورت با خردمندان و دوری از تقلید کورکورانه؛

۳. تربیت اخلاقی با ارائه‌ی راهکارهای مؤثری همچون ذکر و یاد خدا، توبه، استغفار، توکل به خدا، استعاذه، خوف از خداوند، نماز و روزه، در محضر خدا بودن و نهایتاً پیکار با شیطان‌پرستان.

منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه‌ی ناصر مکارم شیرازی؛ چاپ دوم، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳ ش.
- احسانی، محمد؛ «زبان قرآن و تعلیم و تربیت»؛ معرفت؛ شماره‌ی ۱۳۰، ۱۳۸۷ ش.
- ادریسی، فرهاد و احمدی آچاچلو، رقیه؛ «تأثیر وسوسه‌های شیطان در بدتربیتی انسان از منظر قرآن»؛ علوم رفتاری، شماره‌ی ۱۷، ۱۳۹۲ ش.
- اعرافی، علیرضا و موسوی، سید نقی؛ «تربیت اعتقادی فرزندان از منظر فقه»؛ کاوش‌های نو در فقه اسلامی، شماره‌ی ۲، سال ۲۰، قم، ۱۳۹۲ ش.
- امامیان، سید حسن و رفیعی، احمد؛ «تحلیل شیطان‌گرایی مدرن از فضای مجازی»، pure life, Vol. 4, Issue 12, 2018
- امین‌خندقی، جواد؛ شناخت و بررسی شیطان‌پرستی؛ چاپ پانزدهم، قم: ولاء منتظر (عج)، ۱۳۹۰ ش.
- جزایری، سید مسعود؛ «موسیقی شیطانی»؛ پرسمان، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، شماره ۵۱، قم: ۱۳۸۵ ش.
- جعفرطیاری، مصطفی؛ «فرایند چیرگی شیطان بر انسان با رویکرد تربیتی در قرآن و حدیث»؛ آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۱، پای‌پی ۳، ۱۳۹۵ ش.
- جماعتی، حسین؛ «راه‌های تربیتی دور کردن ذهن و قلب از افکار و تخیلات شیطانی»؛ تربیت تبلیغی، شماره‌ی ۱۷ و ۱۸، ۱۳۹۵ ش.
- خزائی، محمدعلی؛ وسوسه‌های شیطانی و راه‌های مقابله با آن از دیدگاه قرآن کریم؛ قم: زائر، ۱۳۹۳ ش.
- دانش، محمدقدیر؛ «راه‌های نفوذ شیطان در جامعه»؛ فرهنگ کوثر، شماره‌ی ۷۸، ۱۳۸۸ ش.
- داوودی، محمد؛ «تأملی در هدف تربیت اعتقادی»؛ تربیت اسلامی، سال ۴، شماره‌ی ۹، ۱۳۸۸ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن؛ بیروت: دارالشامیه، ۱۴۱۲ ق.
- رسولی، زهره و حسین‌نژاد، فهیمه؛ «شیطان‌پرستی به مثابه تهدید خاموش فرهنگی»؛ همایش هجوم خاموش، معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی، واحد استان لرستان، ۱۳۹۰ ش.
- رفیعی، احمد؛ «تحلیل شیطان‌گرایی جدید از فضای مجازی»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، راهنما: محمدتقی‌فعالی، رشته معارف اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ۱۳۹۳ ش.
- رهبر، محمدتقی و رحیمیان، محمدحسن؛ اخلاق و تربیت اسلامی؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۶.
- سام آرام، عزت‌الله؛ «نیاز صداوسیما به تحقیق اسنادی»؛ پژوهش و سنجش، شماره‌ی ۱۹ و ۲۰، ۱۳۷۸ ش.
- شرتونی، سعید؛ اقرب الموارد فی فصح العربیة و الشوارد؛ بیروت: مطبعة مرسلی الیسومیة، ۱۸۸۹ م.
- شکر، عبدالعلی؛ «وسوسه شیطان و راهکارهای مقابله با آن در قرآن»؛ معارف قرآنی، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۱۸، ۱۳۹۳ ش.
- طباطبائی، محمدحسین؛ تفسیر المیزان (ترجمه‌ی سید محمدباقر موسوی همدانی)؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۳۷۴ ش.
- طبرسی، فضل بن حسن؛ جوامع الجامع؛ تهران: دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ ش.

- طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین؛ چاپ سوم، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
- عبدی، توحید و شکاری، عزیز؛ «بررسی پیامدهای امنیتی گرایش جوانان به عرفان‌های کاذب نوظهور» (مطالعه موردی استان قم)؛ دانش انتظامی قم، شماره ۹، ۱۳۹۴ ش.
- کبیری، زینب و معلمی، حسن؛ «مبانی و شیوه‌های تربیت اخلاقی در قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبایی»؛ معرفت اخلاقی، شماره ۱، ۱۳۸۸ ش.
- موریارتی، آنتونی؛ «روان‌شناسی ساتانیسم (شیطان‌پرستی)»؛ ترجمه: گنجی، مهدی؛ تهران، ساوالان، ۱۳۸۹ ش.
- لاوی، آنتوان زندر؛ «انجیل شیطانی»؛ نیویورک: آون؛ ۱۹۶۹ م.
- محمدی‌نیا، اسدالله؛ شیطان‌گرایی و فرقه‌های نوظهور؛ قم: سبط اکبر، ۱۳۹۷ ش.
- مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ ج ۶، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران، ۱۳۶۰ ش.
- مظاهری‌سیف، حمیدرضا؛ «بررسی علل و جذب گرایش به فرقه شیطانی»؛ پگاه حوزه، شماره ۲۵۵، ۱۳۸۸ ش.
- مظاهری‌سیف، حمیدرضا و شریفی‌دوست، حمزه؛ «نگاهی متفاوت به شیطان‌گرایی»؛ ناظر علمی مرکز مطالعات و تحقیقات بهداشت معنوی، کتابخانه خاوران، شماره ۴۷۵، ۱۳۸۸ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- نگارش، حمید؛ کزراهه شیطان‌پرستی؛ قم: زمزم هدایت، ۱۳۹۲ ش.

